

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی

آندیششادکذی

سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۹۲



دانشگاه زبجان

گروه زبان و ادبیات فارسی



۲

فصلنامه

تخصصی

اندیشه ادبی

سال نول

شماره ۲

بهار ۱۳۹۲

صاحب امتیاز: دانشگاه زنجان

مدیر مسئول: دکتر امیر مؤمنی هزاره

سرمدیر: دکتر مهدی محبتی

هیأت تحریریه

دکتر فتح الله مجتایی (استاد دانشگاه تهران)	دکتر محرم اسلامی (دانشیار دانشگاه زنجان)
دکتر آذرتاش آذرنوش (استاد دانشگاه تهران)	دکتر محبتی بشردوست (استادیار دانشگاه زنجان)
دکتر چارلز ملویل (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان)	دکتر جمیله اخیانی (استادیار دانشگاه زنجان)
دکتر لئونارد لوپزن (دانشیار دانشگاه اکستر انگلستان)	دکتر فریده وجدانی (استادیار دانشگاه زنجان)
دکتر باقر صدوی نیا (دانشیار دانشگاه تبریز)	دکتر امیر مؤمنی هزاره (استادیار دانشگاه زنجان)
دکتر مهدی محبتی (دانشیار دانشگاه زنجان)	

مدیر داخلی: دکتر جمیله اخیانی

ویراستار علمی و ادبی: دکتر مهدی کدالی

ویراستار انگلیسی: دکتر محرم اسلامی

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و مجله در این زمینه مسزولیتی ندارد.

پست الکترونیکی: andishehadabi@znu.ac.ir

نشانی: زنجان، بلوار دانشگاه، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، دفتر فصلنامه تخصصی

اندیشه ادبی، کدپستی: ۳۸۷۹۱-۴۵۳۷۱

تلفن: ۰۲۴۱۵۱۵۴۱۸۶-۵۱۵۴۱۰۶

دورنگار: ۰۲۴۱ ۲۲۸۳۲۰۱

صفحه آرای و چاپ: انتشارات دانشگاه زنجان

شابا: ۲۳۲۲-۴۱۲۶

روایت نور و سفر در رمان‌های زندگی نو و بیوتن

فریده داودی مقدم^۱

چکیده

این پژوهش به تحلیل رمان زندگی نو اثر اورهان پاموک، برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات سال ۲۰۰۶، و مقایسهٔ آن با رمان ایرانی بیوتن نوشتهٔ رضا امیرخانی می‌پردازد. در زندگی نو و بیوتن روایت اصلی، در ژرف‌ساخت و روساخت داستان، کهن‌الگوی سفر است. پاموک، همانند جلال‌الدین محمد بلخی در داستان «خواب گنج» در دفتر ششم مثنوی، سفری را روایت می‌کند که انتهایش سرزمینی نو نیست. اول و آخر سفر همان جایی است که ما هستیم. از مشترکات دیگر این رمان با متون کلاسیک ایرانی، وجود عنصر نور است که در چهارچوب حکمت اشراقی ایرانی قابل بررسی است.

از طرفی این دو رمان، در حوزهٔ نظریه‌های جدید، از دیدگاه ادبیات پسامدرن نیز قابل تحلیل است. بیان عدم قطعیت و تکثر معناها، بی‌هویت بودن اشخاص، تغییر دیدگاه‌ها از اول‌شخص به سوم‌شخص، شرکت دادن خواننده در امر روایت و ... از شگردهای داستان‌های پسامدرن است که امیرخانی و پاموک آن‌ها را به کار گرفته‌اند. پاموک و امیرخانی به دنبال کشف معنا برای انسان‌های شرقی هستند که در تضاد میان سنت و مدرنیته سرگردانند و در این سفر هویتی، به دامان اصیل‌ترین گرایش‌های آدمی پناه می‌آورند؛ گرایش‌هایی چون عشق، صداقت، وطن، آرامش که به نظر می‌رسد در جهان امروز تنها با مرگ به دست آید؛ چنان‌که هر دو داستان با مرگ قهرمان به پایان می‌رسد.

این دو داستان بر اساس الگوی «پی‌رفت» تودورف و سه سطح گفتمان روایی ژرار ژنت، (روایت‌شناسان ساختارگرا)، نیز قابل بررسی و تحلیل است، اما در این نوشتار، از آن‌جا

^۱ استادیار دانشگاه شاهد fdavoudy@gmail.com



که هدف، بیشتر بیان معنای اجتماعی و فرهنگی بوده است، به شیوه روایت‌شناسی شناختی (پساساختگرا) به تفسیر معنای داستان‌ها پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: رمان، زندگی‌نو، بیوتن، پاموک، امیرخانی، روایت سفر.

مقدمه

حوزه روایت‌شناسی، به عنوان علم مطالعه داستان، در نقد ادبیات داستانی امروز ایران پیشرفت قابل توجهی داشته است. بررسی نشان می‌دهد این تحلیل‌ها بیشتر در چهارچوب روایت‌شناسی ساختگراست.

نظریه روایتی ساختگرا بر اندیشه سوسور استوار است که در آن نظام زبانی می‌تواند مجموعه نامحدودی از گفته‌ها را تولید کند (سلدن، ۱۳۷۵: ۱۱۶) تودوروف اولین بار در کتاب **دستور زبان دکامرون** واژه روایت‌شناسی را برای علم مطالعه قصه به کار برده است او یادآور می‌شود که مقصودش از این واژه، معنای وسیع آن است و تنها به بررسی قصه داستان و رمان محدود نیست و تمامی گونه‌های روایت را دربرمی‌گیرد. (اخوت، ۱۳۷۱: ۲) تودوروف با بررسی صفات و افعال یک روایت، تحول روساختی و معانی ژرف‌ساختی آن را روشن می‌سازد؛ هرچند خود او به‌طور مستقیم درصدد تفسیر مضمون و معنای داستان نیست. البته به کار بردن لفظ «داستان» نباید ما را به برداشتی محدود از مفهوم روایت برساند. هر نوع متنی که واجد ساختار ترکیبی ویژه‌ای باشد که بتوان به آن جهت بخشید؛ برای آن در کنار عواملی چون شخصیت‌ها و حوادث (کنش‌ها)، آغاز، میانه و پایانی تشخیص داد، به‌نوعی «روایت» است. وی معتقد است که نظریه او با اتصال ساختار روایت به ساختار زبان‌شناسی، ما را در درک بهتر بافت روایت یاری می‌دهد. (کالر، ۱۹۷۵: ۲۱۶) از نظر می‌توان و رای تفاوت‌های بدیهی و واضح زبان‌ها، ساختار مشترکی را کشف کرد. (تودوروف ۱۳۸۸: ۶۳)

تمرکز عمده تودوروف بر تبیین ساختار دستوری (نحوی) روایت است. اساس کار تودوروف تجزیه متن به واحدهای کمینه است. از نظر او روابط میان این واحدها نخستین معیار متمایز کردن ساختارهای متنی متعدد از یکدیگر است. بر این اساس، او دو شاخه آرایش درونمایگی را مشخص می‌کند که عبارت اند از نظم زمانی - منطقی و نظم فضای (تودوروف، ۱۳۸۲: ۲۶)



اما امروزه در تحقیقات و نقدهای روایت‌شناسی، تحلیل‌های روایت از نوع پساساختگرای نیز جریان دارد که تنها به اعمال الگوهای نظریه‌پردازان ساختگرا و رعایت دقیق و جزئی فرمول‌های آن بسنده نمی‌شود و ضمن در نظر داشتن حوزه ساختار، بیشتر لایه‌های پنهان روایت و الگوهای معنایی متن بررسی می‌شود. (یان، ۱۳۹۱: ۷۳-۸۵ و رک. هارلند، ۱۳۸۰)

این پژوهش با نظری کلی به روایت‌شناسی شناختی (پساساختگرای)، به تحلیل روایت نور و سفر و تأثیر آن در پیشرفت داستان و حصول به نتیجه، و همچنین دریافت اهداف اجتماعی و فرهنگی اثر در پرتو این روایت‌ها می‌پردازد.

دربارهٔ رمان بیوتن، تاکنون نقدهای گوناگونی در نشریه‌ها و سایت‌ها نوشته شده است؛ از جمله مقاله «پسامدرن تصنعی: نقد و بررسی شگردهای فراداستان در رمان بیوتن»، نوشتهٔ سحر غفاری، درج‌شده در فصلنامهٔ *نقد ادبی*، بهار ۸۹، شمارهٔ نهم؛ اما هیچ‌کدام از منظر این مقاله بدان نیرداخته‌اند. در باب رمان *زندگی نور* نیز برخی نوشته‌های اینترنتی موجود است، ولی هیچ مقاله یا تحقیق دانشگاهی در نقد این اثر ارزشمند به نظر نرسید.

مختصری دربارهٔ پاموک و امیرخانی

اورهان پاموک، معروف‌ترین نویسندهٔ معاصر ترکیه، در ۱۹۵۲م. در محلهٔ «تیشان‌تاشی» استانبول به دنیا آمد. او پس از تحصیلات متوسطه، سه سال در دانشکدهٔ فنی در رشتهٔ معماری به تحصیل پرداخت و سپس به روزنامه‌نگاری روی آورد. اولین کتاب او *آقای جودت و پسران* جوایز ملی را برایش به ارمغان آورد. کتاب *زندگی نور* پاموک در ترکیه فروش بالایی داشت. در سال ۱۹۹۸ رمان *نام من سرخ* را به چاپ رساند که علاوه بر جوایز ملی، جوایز فرانسه، ایتالیا و ایرلند را گرفت. کتاب *برف* که در ۲۰۰۲ چاپ شد، به گفتهٔ خودش، اولین و آخرین رمان سیاسی او محسوب می‌شود. پاموک یکی از سرکش‌ترین نویسندگان ترکیه است. او به دلیل اظهاراتش دربارهٔ کشتار بی‌رحمانهٔ ارمنه در روزهای آغازین جنگ جهانی اول به دست دولت عثمانی، جنجالی‌ترین مورد ترکیه شناخته شده است. پاموک برندهٔ جایزه صلح اروپا شده و اولین ترک‌تبار برندهٔ جایزه نوبل ادبیات است. از دیگر آثار او می‌توان به کتاب *سیاه* (۱۹۹۰) و *چهرهٔ پنهان* (۱۹۹۳) اشاره کرد.



رضا امیرخانی در سال ۱۳۵۲ ه.ش. در تهران متولد شد. او در دبیرستان علامه حلی درس خوانده و فارغ‌التحصیل رشته مکانیک از دانشگاه صنعتی شریف است و سردبیری سایت لوح را نیز بر عهده دارد. از میان آثار او، کتاب *ارمیا* در جشنواره بیست سال دفاع مقدس برگزیده شده و در اولین دوره جشنواره مهر و دومین جشنواره دفاع مقدس از آن تقدیر شده است. همچنین کتاب *من او* در دومین جشنواره مهر مورد تقدیر قرار گرفته؛ یکی از سه کتاب برگزیده منتقدان مطبوعات و سه کتاب برگزیده سال ۷۹ بوده است. آثار وی عبارت اند از: *ارمیا* (رمان، سال ۷۴)، *ناصرارمنی* (مجموعه داستان، سال ۷۸)، *من او* (رمان، سال ۷۸)، *از به* (داستان بلند، سال ۸۰)، *داستان سیستان* (سفرنامه، سال ۸۲، «نشت نشا» (مقاله بلند، سال ۸۳)، *بیوتن* (رمان، سال ۸۷) که برنده جایزه اول جشنواره جیبب غنی پور شد، *گزیده یادداشت‌های ۸۱ تا ۸۴* به نام *سرلوحه‌ها* (سال ۸۷)، *پرسه در خاک غریبه* (رمان، ۱۳۸۸)، «نقحات نفت» (مقاله بلند، سال ۸۹).

خلاصه رمان زندگی نو

رمان *زندگی نو* با سفر به دنیای درون یک کتاب آغاز می‌شود؛ کتابی که از صفحاتش نور فوران می‌کند و در پرتو خود سایه‌های زندگی‌ای را ترسیم می‌کند که راوی در پی شناخت آن است. تنهایی و درماندگی ناشی از آن، عامل پیوند هرچه بیشتر قهرمان با کتاب و دختر و پسری است به نام جانان و محمد که سبب آشنایی‌اش با کتاب شده‌اند. محمد در حادثه‌ای ایهام‌آمیز تیر می‌خورد و جانان به‌طور ناگهانی ناپدید می‌شود. راوی که عاشق او شده است در پی یافتنش به سفرهای بیرونی می‌رود، اما باز هم معلوم نیست که این سفرها تا چه حد عینی و تا چه مقدار ذهنی است. در قسمت بعدی، راوی پس از ماه‌ها سفر با اتوبوس، در پی حادثه‌ای، جانان را پیدا می‌کند.

آن دو سفر را در پی یافتن محمد که ظاهراً از آن حادثه جان سالم به در برده بود؛ همچنین در پی کشف معنای کتاب و دیدن فرشته‌ای که نویسنده در کتاب دائماً به آن خطاب می‌کند، ادامه می‌دهند تا آن‌که، در پی تصادف اتوبوس، با علی و افسون کارا آشنا می‌شوند که مانند خودشان به دنبال زندگی نو در سفرند. با مرگ علی و افسون کارا، راوی و جانان شناسنامه‌های آن دو را برمی‌دارند و به عنوان نمایندگان فروش بخاری به شهر گودول دعوت می‌شوند و مردی که بوی خاصی می‌دهد آنان را نزد دکتر نارین می‌برد.

در قسمت به

فرهنگ غرب به م

«وقتی تمدن‌های

می‌شوند بچه‌ها ه

چیزهای نو را آسار

خواندن کتاب می‌د

کتاب فرار گرفته‌اند

توطئه بزرگ غرب

اطمینان، تحرک و

بودن محمد (رقیب

قسمت آخر د

راوی بعد از آن‌که م

گردد و بعد از سال

متوجه می‌شود که

تنهایی، به خواندن

یابد و متوجه می‌شو

های دیگر نوشته ا

از زن آوازخوان روم

ذهنیت‌ها می‌شود و می‌فهم

راه برگشت به خانه برای

کشته می‌شود.

خلاصه رمان بیوتن

ارمیا شخصیت اصلی رمان

شده‌اند. ارمیا از تمام خود

خصوص سهراب، که فکر

دختری به نام آرمیتا را

یک شرکت به ایران آمده



در قسمت بعدی، راوی با دکتر نارین (پدر محمد)، سردهسته گروهی که با تهاجم فرهنگ غرب به مبارزه برخاسته‌اند، آشنا می‌شود. دکتر نارین مردی است که معتقد است «وقتی تمدن‌های بزرگ سقوط می‌کنند و حافظه‌ها از بین می‌روند، اولین کسانی که فاسد می‌شوند بچه‌ها هستند. آنها چیزهای قدیمی را سریع‌تر و راحت‌تر فراموش می‌کنند و چیزهای نو را آسان‌تر می‌پذیرند.» (ص ۱۵۱) او که علت تغییر رفتار و مرگ پسرش را در خواندن کتاب می‌داند، دستور قتل نویسنده کتاب و تمام افرادی را که به نوعی تحت تأثیر کتاب قرار گرفته‌اند، می‌دهد و از راوی می‌خواهد به جای پسرش نزد او بماند و در مقابل توطئه بزرگ غرب یاری‌اش کند. راوی بعد از خواندن کاغذهای بایگانی‌شده دکتر، با اطمینان، تحرک و جسارتی بی‌سابقه، با انگیزه عشق شدید به جانان و با آگاهی از زنده بودن محمد (رقیب عشقی‌اش) راهی سفر می‌شود تا او را به قتل برساند.

قسمت آخر داستان مربوط به بعد از قتل محمد و بازگشت به خانه دکتر می‌شود. راوی بعد از آن که می‌فهمد جانان خانة دکتر را ترک کرده، به خانه قدیمی نزد مادر باز می‌گردد و بعد از سال‌ها تلاش بی‌نتیجه در پی یافتن عشق ازدست‌رفته و ازدواج با دیگری، متوجه می‌شود که جانان با دانشجوی دیگری ازدواج کرده است. راوی برای رهایی از تنهایی، به خواندن کتاب رو می‌آورد و در شبی تصادفاً به کتاب‌های عمومی دست می‌یابد و متوجه می‌شود، نویسنده کتاب، یعنی عمومی رفقی، کتاب *زندگی نور* را بر اساس کتاب‌های دیگر نوشته است و فرشته‌ای که او در تمام این مدت به دنبالش بوده، الهام‌گرفته‌شده از زن آوازخوان روسی در کاباره است. بدین‌گونه راوی وقتی متوجه تفاوت عینیت‌ها و ذهنیت‌ها می‌شود و می‌فهمد که تنها در پی افسون‌های خیالی، زندگی‌اش را به هدر داده، در راه برگشت به خانه برای ادامه زندگی عادی نزد زن و دخترش، در حادثه تصادف اتوبوس کشته می‌شود.

خلاصه رمان بیوتن

ارمیا شخصیت اصلی رمان *بیوتن*، جانباز است. تمام هم‌زمان او در زمان جنگ شهید شده‌اند. ارمیا از تمام خوشی‌های این دنیا دل بریده است. سه‌شنبه‌ها بر سر مزار آنان، به خصوص سهراب، که فکر می‌کند به جای او شهید شده است، می‌رود. در مزار شهدا، دختری به نام آرمیتا را ملاقات می‌کند. آرمیتا آمریکایی ایرانی‌الاصلی است که به همراه یک شرکت به ایران آمده است. آنها قرار است کارهای عمرانی در مزار شهدا انجام دهند.

ستان علامه
ست و سرد
بسیست سال
اغ مقدس
بر قرار گرفت
۱ بوده است
سال ۷۸، مزار
نامه، سال ۱۲
بزه اول حسین
۸۷، پورسره

از صفحاتش
در بی شناس
با کتاب و دگر
حمد در جان
عاشق او
که این سفرها
ز ماده‌ها سفر

در برده بود
اب داننا به
فنون کارا
سون کارا راه
بخاری به
ن می‌برد.



زندگی نو و بیوتن دو رمان معاصر متعلق به دو کشور ترکیه و ایران است که در بر ادبیات و خلق و آفرینش معانی ادبی، از دیرباز اشتراکات فراوان و معناداری داشته عناصر و بن‌مایه‌ها و کهن‌الگوهایی که در متون کلاسیک چشمگیر است و خطوط امری اساسی آن در حوزه ادبیات امروز هم قابل مشاهده است. گذشته از به‌کارگیری شیوه خلاقیت‌های داستان پسامدرن در دو اثر پاموک و امیرخانی، البته در طیف فرهنگ شرق استفاده از کهن‌الگو و مضامین سفر، نور، مرگ، تقدیر و تصادف، عشق و ... در عرصه ادبیات کم‌وبیش مشابه و در لایه‌های پنهان دو متن، نشان می‌دهد که خودآگاه و ناخودآگاه نویسندگان این دو اثر پیرامون این مضامین دارای ویژگی‌های مشترکی است؛ ضمن این به نمایش گذاشتن تقابل‌های سنت و مدرنیته و فرهنگ شرق و غرب و نشان دادن نادرست این دو فرهنگ از یکدیگر، بیانگر دغدغه‌های نویسندگان دو کشور ترکیه و ایران است. این رویکرد در شناخت هرچه بیشتر فرهنگ خودی و ارتباط مناسب و صحیح فرهنگ غرب امری اجتناب‌ناپذیر است و می‌تواند در تعامل با دنیای گسترده‌ای که از به با آن برای جوامع بشری امروز قطعی و ضروری است، خطوط فکری شفاف، زیاده‌هرمندانه‌ای ترسیم کند تا در سایه‌سار این هنر، عقلانیت غرب و احساسات و موبه شرق در پیوندی ژرف به آرامش دست یابند؛ صلح و آرامشی که جهان امروز بشر همیشه به آن نیازمند است.

در باره روایت داستان، می‌توان گفت که رویدادهای خطی و غیرخطی هر دو رمان در سفر ظاهری قهرمانان و چه در سفرهای ذهنی آنان، حکایتگر روایت‌های فرهنگی تقابلی است که ذهن شخصیت‌های رمان و مخاطبان آن را تا فرجام داستان و آخیر کنش آن درگیر می‌کند و ما را به این نتیجه مهم می‌رساند که استعاره سفر در روایت شناسی گریگ، در ژرف‌ساخت و معناهای پنهان داستان، با رو‌ساخت و شکل روایی هماهنگی کامل دارد.

منابع

۱. اخوت، احمد (۱۳۷۱) *دستور زبان داستان*، اصفهان: فردا.
۲. امیرخانی، رضا (۱۳۸۸) *بیوتن*، تهران: نشر عالم.



۳. بانلو، کریستوفر (۱۳۸۵) در آمدی بسیار کوتاه بر پیامد نریسم، ترجمه محمد عظیمی، تهران: نیلوفر.
۴. باشلار، گاستون (۱۳۷۸) روان‌کاوی آتش، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات توس.
۵. بالایی، کریستف و میشل کوئی پریس (۱۳۷۸) سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه احمد کریمی حکاک، تهران: معین.
۶. پلانشو، موریس و دیگران (۱۳۸۵) ادبیات و مرگ، ترجمه لیل کوجک‌منش، تهران: گام نو.
۷. پاموک، اورهان (۱۳۸۷) زندگی نو، ترجمه ارسلان فصیحی، تهران: انتشارات ققنوس.
۸. _____ (۱۳۸۹) «مصاحبه با شیرزادی»، روزنامه کارگزاران (۱۳۸۹/۱۱/۹)، برگرفته از وبلاگ دریچه‌ای به داستان و نقد، فرحناز علیزاده.
۹. پاینده، حسین (۱۳۸۵) نقد ادبی و دموکراسی (جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید)، تهران: نیلوفر.
۱۰. توده‌وروف، تزوتان (۱۳۸۲) بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، تهران: انتشارات نگاه.
۱۱. _____ (۱۳۸۸) بوطیقای نشر، ترجمه انوشیروان گنجی پور، تهران: نی.
۱۲. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۷) دیوان غزلیات، به تصحیح فروزینی - غنی به کوشش ع. جبرزه‌دار، تهران: اساطیر.
۱۳. سلدن، رامان (۱۳۷۵) نظریه ادبی و نقد عملی، ترجمه جلال سخنور و سیما زمانی، تهران: پویندگان نور.
۱۴. سه‌رودی، شیخ شهاب‌الدین (۱۳۶۱) عقل سرخ، تهران: انتشارات مولی.
۱۵. شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۴) نقد ادبی، تهران: داستان.

است که در غزیر
معناداری داشته
ت و خطوط اصلی
ه کارگیری شگردها
لطیف فرهنگ شری
و ... در عرصه‌ها
خودآگاه و ناخودآگ
است؛ ضمن این که
و نشان دادن درک
کشور ترکیه و ایران
مناسب و صحیح؛
گسترده‌ای که اینلا
فکری شفاف، زیبا
احساسات و مینوی
جهان امروز بشر
خطی هر دورمان
روایت‌های فرهنگی
جام داستان و اخیر
تعاره سفر در روایت
ت و شکل روایی



۵۴
فصلنامه
تخصصی
اندیشه ادبی
سال اول،
شماره ۲
بهار ۱۳۹۲

۱۶. شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۵) فرهنگ نمادها، سوادبه فضایی، تهران: چیچون.
۱۷. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۶) مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: امیرکبیر.
۱۸. وارد، گلن (۱۳۸۴) پسامدرنیسم، ترجمه قادر فخر رنجبری و ابودر کوه تهران: نشر ماهی.

۱۹. هارلند، ریچارد (۱۳۸۰) ابرساختارگرایی (فلسفه ساختارگرایی پساساختارگرایی)، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: نشر سوره مهر.

۲۰. یان، منفرد و دیوید هرمن (۱۳۹۱) دانشنامه روایت‌شناسی، گردآورنده ویراستار: محمد زاغب، تهران: نشر علم.

۲۱. یزدانجو، پیام (۱۳۸۱) ادبیات پسامدرن، تهران: مرکز.
۲۲. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸) انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: جامی.

23. Culler, Jonatan (1975) *Structuralist Poetics*, London: Routledge and KeganPoul.
24. Ihab Hassan (1981) *Dismemberment of Orpheus: Towards a postmodern literature*, second edition, New York: Oxford university press.
25. Gerrig, R. J. (1993) "Experiencing Narrative Worlds: On the Psychological Activities of reading", New Haven: Yale University Press.